



نقش شاخصهای توسعه پایدار بر حاکمیت ساختاری شهر اسلامی

محمد اکبرپور

چکیده

شهر اسلامی دارای صفات و ویژگی هایی است که تا کنون در مطالعات و بررسی های گوناگون به آنها اشاره شده است. پایداری به مفهوم امروزی آن یکی از ویژگی هایی است که از دیرباز در شهرسازی و معماری اسلامی به صورت ضمنی وجود داشته است. با مطرح شدن نظریه ی توسعه ی پایدار در اواخر قرن بیستم و در پی آن شهرهای پایدار، مباحث مربوط به رابطه میان انسان، محیط زیست و توسعه، به طور جدی در معماری و شهرسازی برای ایجاد تعادل میان سطوح متنوع زیستی با درک از محیط آغاز شده است. مفهوم توسعه ی پایدار در بعد های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مطرح شده است. این مقاله محور اصلی بحث خود را بر مقایسه و تحلیل الگوهای اجتماعی و کالبدی توسعه ی پایدار و اصول مطرح در حاکمیت شهر های اسلامی استوار ساخته است. روش مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده های کتابخانه ای می باشد که به توصیف ماهیت توسعه ی پایدار و اصول مطرح در آن و نیز توصیف شهر اسلامی و مفاهیم مطرح در آن پرداخته است. نتایج تحقیق به صورت مقایسه ی تطبیقی بوده و نشان می دهد شهر اسلامی با بهره جستن از اصول و ارزش های خاص اسلامی که ریشه در حاکمیت دین مبین اسلام دارد، شاخص های مطرح شده در توسعه ی پایدار را در خود داشته و می تواند به عنوان نمونه ای از شهر پایدار مطرح شود.

واژگان کلیدی: پایداری، شهر اسلامی، توسعه ی پایدار، شهر اسلامی پایدار

شهر نه تنها یک موجودیت فیزیکی است بلکه می توان آن را نماد یک امر حادث شده اجتماعی دانست. از طرف دیگر به عقیده برخی دانشمندان شکل بیرونی و نمای شهر را می توان بازتابی از هنجارهای همان عصر و مقتضیات عقیدتی آن به شمار آورد. دین مبین اسلام نیز به عنوان دینی جهان شمول و کامل که به تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان پاسخگوست از همان ابتدای پیدایش با مقوله شهر و شهر نشینی ارتباطی نزدیک داشته است. تا جایی که جایگاه و اهمیت شهر در قرآن کریم به عنوان اصیل ترین و جامع ترین منبع معارف اسلامی بارها مورد تأکید قرار گرفته است. رواج تعبیر ((شهر اسلامی)) و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان (به ویژه ((شهراسلامی)) نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان نشین)، با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش های اسلامی بوده، و به این ترتیب، از شهرهای سایر تمدن ها و فرهنگ ها متمایز می باشند، از قرن نوزدهم میلادی و به وسیله مستشرقین آغاز شد (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۹۲). از طرفی مباحث مطرح شده در دهه ی ۷۰ قرن بیستم تحت عنوان توسعه ی پایدار و از آن پس شهر پایدار، با بیان یک سری اصول و مفاهیم سعی در گسترش حوزه های شهرسازی مبتنی بر شهر های خود اتکا و معماری انسانگرا نمود که ضمن تأمین سلامتی و رضایت ساکنان باعث ارتقاء مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیطی گردد و برای نسل های آتی نیز حفاظت شود. دغدغه ی ساخت اجتماعات پایدار با روابط انسانی پایدار مختص جوامع غربی نبوده و در تاریخ تمدن های شرقی از جمله کشورمان ایران نیز به چشم می خورد. دین اسلام با چهره ای صد درصد اجتماعی، توجه اکیدی به شهرداشته و با ترسیم شمایل یک شهر مطلوب، خود را آماده پذیرش بهترین های تمدن های پیش از خود کرده تا جایی که استفاده از کلیه دستاوردهای فرهنگی، هنری ملل تابعه را تا جایی که با مبانی اسلام مغایرت نداشته باشد، بلا مانع می داند. شهرها و بناهای اسلامی با شاخصه های هنری، زیبایی شناختی، کالبدی، زیست محیطی، اقلیمی محیطی و اقتصادی آرامشی انکار ناپذیر را برای شهروندان ایجاد می کردند. واقعیتی که امروزه شاهد آن هستند، شهرهایی در کشوری باشد که بی هویت تر از هر زمان دیگری در حال گسترش است. این ادعا که شهرهای اسلامی در میان الگوهای شهرسازی به عنوان یک طرح موفق آزمایش خود را پس داده است، امری حقیقی است.

هدف از این مقاله کنکاش در تشابهات میان اصول حاکم بر شهراسلامی و مفاهیم توسعه ی پایدار و ارزیابی میزان موفقیت هر یک در بستر زمان می باشد؛ شناخت دقیق و موشکافانه ی اجتماعات پایدار در گذشته، چه در کشور ایران و چه تجربه شده توسط سایر اجتماعات، چراغ راهی است برای جلوگیری از اشتباهات جبران ناپذیر در تجربیات شهرسازی معاصر و حمایت از آن دسته الگوهایی که انطباق کامل با نیازهای انسان داشته باشد. آنچه که در این میان حائز اهمیت است اینکه میان مفاهیم حاکم بر شهر اسلامی و توجه آن به رویکرد های پایداری و مقوله توسعه ی پایدار نقاط اشتراکی وجود دارد و مقاله حاضر در پی بیان آن می باشد.

پیشینه تحقیق

بمانیان (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی- اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق ها: با روش پویایی و فراتحلیلی، ضمن بررسی معنا و مفهوم شهر اسلامی و ایرانی اسلامی، با توجه به جامعیت و بالندگی مفهوم شهر اسلامی، به عنوان مصداق یکی از شاخص های هویت دهنده به شهر ایرانی اسلامی، که موضوع مدیریت آن است، با الهام از مبانی ایرانی اسلامی، ویژگی های بومی مطلوب محله ای و مدیریت توسعه محله ای ارائه نموده است. پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان: انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص سازی در راستای شهری آرمانی- اسلامی؛ نتایج مطالعه نشان می دهد که، بین تاثیر ویژگی های کاربری بر هویت شهر اسلامی در منطقه یک، تفاوت قابل ملاحظه ای وجود دارد، بیشترین تأثیر را کاربری های مذهبی و در ویژگی های بعد عینی و کمترین تأثیر را کاربری های فرهنگی و در ویژگی های بعد ذهنی در منطقه مورد مطالعه داشته اند. نوکار و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان: بررسی تاثیرات کاربری های شهری بر هویت شهر اسلامی محدوده مورد مطالعه منطقه یک شهر یزد؛ نتایج مطالعه نشان می دهد که، بین تاثیر ویژگی های کاربری بر هویت شهر اسلامی

در منطقه یک، تفاوت قابل ملاحظه ای وجود دارد ، بیشترین تأثیر را کاربری های مذهبی و در ویژگی های بعد عینی و کمترین تأثیر را کاربری های فرهنگی و در ویژگی های بعد ذهنی در منطقه مورد مطالعه داشته اند.

روش تحقیق

مقاله تحقیقی حاضر، پژوهشی بنیادی است که نگاه حاکم بر آن در تمام بخش ها، تحلیل محور است که البته در کنار آن از ابزار توصیف و تطبیق داده ها نیز بهره برده شده است. در بیان پیشینه تاریخی شهر اسلامی، رویکرد توصیفی - تحلیلی مورد توجه قرار گرفته و در تبیین ساختار آن از رویکرد تطبیقی - تحلیلی مبتنی بر داده های کتابخانه ای، استفاده شده که ارتباط مفاهیم مطرح در شهرهای اسلامی با مفاهیم اجتماعی و کالبدی مطرح در توسعه ی پایدار مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته و در پایان در قالب دو جدول نیز ارائه می گردد

یافته های تحقیق

توسعه ی پایدار، ملاک ها و معیارها

تعبیر توسعه ی پایدار متشکل از دو واژه ی «توسعه» (Development) و «پایدار» (Sustainable) است. این واژه ، در اواخر قرن بیستم مطرح شد که توسط گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل (کمیسیون برانتلند) تحت عنوان "آینده ی مشترک ما" در ۱۹۸۷ میلادی عمومیت پیدا کرد. گزارش برانتلند توسعه پایدار را این چنین تعریف می کند : "رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع تواناییهای نسل های آینده برای رفع نیازهایشان" (موسوی، ۱۳۸۱: ۳۴). پیتروال مفهوم اصلی توسعه ی پایدار شهری را ((شکلی از توسعه ی امروزی که توان توسعه ی مداوم شهرها و جوامع شهری نسل آینده را تضمین کند)) معرفی می نماید (Hall, 1993: 22). بنا به نظر موهان مونسینگ، تنها در گرو ارتباط متقابل سه عامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که می توان یک شهر پایدار و انسانی داشت؛ شهری که در آن تمامی شهروندان احساس رضایت داشته باشند (Mohan, 1993: 2). (شکل ۱)



شکل ۱ : یک دیدگاه از اجتماعات پایدار قوی به صورت دوایر متحد المركز که در آن ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسط عامل محیطی احاطه شده اند (منبع: ott, k. (2003). (به نقل از سلخی خسرقی، ۱۳۸۹)

در این مقاله سعی می شود به تطبیق شاخص های پایداری و از آن ره معیارهای کالبدی توسعه ی پایدار با مفاهیم حاکم بر شهر های اسلامی پرداخته شود.

توسعه ی پایدار از دیدگاه اجتماعی (پایداری اجتماعی)

یک نظام اجتماعی پایدار به یک برابری در توزیع دست یافته، که خدمات اجتماعی از جمله بهداشت و آموزش همگانی را در حد نیاز تأمین نماید و به ارزش هایی نظیر برابری جنسی، ثبات سیاسی و مشارکت جمعی دست یابد (هریس، ۱۳۸۳: ۴۳). منزلت و جایگاه محیط اجتماعی، بسیار فراتر از منزلت و جایگاه محیط فیزیکی جامعه است. جامعه به غیر این که شامل محل زندگی است، افرادی را هم که در آن زندگی می کنند در بر می گیرد. بنابراین، جوامع نباید تنها از نظر زیست محیطی پایدار باشند، بلکه از نظر اجتماعی هم باید پایدار باشند (Hancock, 2001). توسعه ی پایدار اجتماعی آن توسعه ای است که نیازهای پایه شامل غذا، مسکن، آموزش، کار، درآمد، شرایط زندگی و کاری سالم را برآورده سازد؛ عدالت طلب باشد، بدین معنا که منافع توسعه را به صورت برابر بین اعضای جامعه توزیع کند، رفاه فیزیکی، فکری و اجتماعی جمعیت را ارتقاء دهد یا حداقل از بین نبرد. باعث ارتقای آموزش، خلاقیت و توسعه ی منابع انسانی بالقوه گردد، میراث فرهنگی و بیولوژیک جامعه را حفظ نماید (بنابراین بنیان های تاریخ و زیست محیطی مردم را تقویت کند، جشن ها و اعیاد را تقویت کند آن چنان که مردم زمینه های زندگی مسالمت آمیز و حمایت افراد جامعه از یکدیگر را بگسترانند؛ مردم سالار باشد، به این معنی که مشارکت و دخالت شهروندان را در امور جامعه افزایش دهد؛ محیط قابل زیست فراهم نماید، به این معنی که رابطه ی بین شکل مکان های عمومی شهر و آسایش اجتماعی، معنوی و فیزیکی ساکنان آن شهر برای برنامه ریزان شهر مدنظر قرار گیرد. از نظر اجتماعی، توسعه ای پایدار خواهد بود که جوامعی همگن و همبسته را ایجاد نماید و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکافهای اجتماعی- اقتصادی ترمیم گردد. این آرمان در صورتی تحقق خواهد یافت که اراضی شهری و تخصیص منابع و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی بطور برابر و حداقل همراه با مساوات نسبی صورت گیرد (موسوی، ۱۳۸۱: ۵). از جمله شاخص های تأثیر گذار بر پایداری شهری در بعد اجتماعی (برگرفته از منابعی که لیست آن ها در بخش فهرست منابع از نظر خواهد گذشت):

- ۱- توسعه ی آموزش و ارتقاء سطح فرهنگ زیست محیطی در بین عموم مردم؛
- ۲- فراهم بودن فرصت های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه های مختلف شهری؛
- ۳- وجود گروه ها و اجتماعات با اهداف و ارزش های مشابه؛
- ۴- مالکیت شخصی مسکن و نیز طویل بودن مدت اقامت ساکنان آن؛
- ۵- کوچک بودن اجتماعات و همبسته بودن آنها؛
- ۶- اتکا به جامعه مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و موثر شهروندان در تصمیم گیری ها و اداره امور محلی (ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ ساختار مردم سالارانه)؛
- ۷- جانمایی انواع خانوارها و گوناگونی جمعیت ساکن در بافت؛
- ۸- میزان ارتباط بین ساکنان شهر (ارتباطات عاطفی، اجتماعی، مادی و...)
- ۹- جوامع همبسته و همگن و اجتماعات محلی منسجم و قوی؛
- ۱۰- عدالت اجتماعی و برابری درون نسلی و بین نسلی؛
- ۱۱- حفاظت از منابع طبیعی و جنگل ها و همچنین استفاده از انرژی های تجدید پذیر؛
- ۱۲- ترویج فرهنگ صرفه جویی مردم در استفاده از منابع.

توسعه ی پایدار از دیدگاه کالبدی

از نظر کالبدی، توسعه ی پایدار شهری، یعنی تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه ی مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا و... به عمل می آید تا در طول زمان، شهر را از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی همبسته نگه دارد به نحوی که این تغییرات تکنولوژیکی، حفظ اشتغال، مسکن و شرایط زیست محیطی مناسب را در بر داشته باشد (mukomo, 1996: 2). در بحث کالبد غالباً تعیین کاربری های مناسب شهری مورد مطالعه قرار می گیرد، در حالی که به دلیل اهمیت و تعیین کننده بودن زمین، نیاز به برنامه ریزی خاصی دارد. از جمله شاخص های موثر بر پایداری کالبدی شهرها میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن ها؛

- ۲- توجه به مقیاس انسانی در طراحی شهرها
- ۳- سلسله مراتب دسترسی و سهولت دسترسی مردم؛
- ۴- اجتماعات خوداتکا و مسکن خودمختار؛
- ۵- هدایت توسعه کالبدی شهر بصورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل و نقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) در راستای صرفه جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه های بی رویه؛
- ۶- حریم مشخص (دروازه و مرزهای جغرافیایی) و وجود مرکزیت (میادین و مراکز محلات)؛
- ۷- ایجاد کاربری ها و موقعیت های شغلی در مقیاس محله؛
- ۸- وجود عملکردها و امکانات مهم در مرکز و در دسترس همگان ؛
- ۹- فضاهای عمومی تعریف شده و چند منظوره؛
- ۱۰- فضای قابل دفاع و کنترل و عاری از بزهکاری؛
- ۱۱- تأمین مسکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا)؛
- ۱۲- ایجاد سازوکار خلوت محیطی؛

توسعه پایدار از دیدگاه اقتصادی

کارکرد دیگر شهر اسلامی کارکرد اقتصادی است که عمدتاً در چارچوب بازارها یا سوق ها متبلور می شود. بازارها در شهر عموماً در مرکز قرار می گرفتند و با تقسیم خود به بازارهای تخصصی بنا بر نوع کالا به تدریج در شهر پراکنده می شدند. در جهت گیری اقتصادی، میزان توان اقتصادی شهر در فراهم نمودن نیازهای اقتصادی شهروندان ارزیابی شده و آینده اقتصادی شهر در بلند مدت پیش بینی می شود. هدف اصلی برنامه ریزی اقتصادی در شهر، افزایش درآمد و در نتیجه، سطح زندگی شهروندان و رسیدن به رفاه بیشتر است. همچنین، باید که اشتغال زایی رشد داده شود؛ تعداد و نوع مهارتها، متناسب با رشد نیروی کار در شهر گسترش یابد. در راه رسیدن به شهر اسلامی پایدار، مسئله اشتغال یک امر مهم است. بنابراین، لازم است برنامه ریزی های اقتصادی در شهر اسلامی، قبل از هر چیز، دستیابی آسان به شغل و درآمد معقول را برای تمامی شهروندان امکان پذیر سازد (رحیمی، ۱۳۸۴: ۹۶).

شهر اسلامی

شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می شود که در سرزمین های دارای فرهنگ و اعتقادات نشأت گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته اند. شهرنشینی و شهرهای اسلامی، دوره ای مشخص و محدود (چهارده قرن پیش تاکنون) را در بر می گیرد و با کمال شگفتی بر پهنه ای بسیار وسیع در سه گو شه جهان کم و بیش مهم و باستانی گسترش یافته است. این شهرها در ویژگی های کالبدی و اجتماعی متأثر از حاکمیت فرهنگ اسلامی یا حکومت های اسلامی اشتراک های زیادی دارند. از نظر محققان، تنها قرارگرفتن شهرهای مورد بررسی در حیطه فرمانروایی مسلمانان، برای اطلاق شهر اسلامی کافی نبوده و شناخت وجوه تمایز بین شهر اسلامی و شهرهای قدیمی در سرزمین های اسلامی و سایر شهرهای خارج از قلمرو اسلامی نیز مورد توجه است (پوراحمد، موسوی، ۱۳۸۹: ۵۶). شهر اسلامی شهری است که دارای هویت ویژه ی فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است. این هویت فرهنگی و تاریخی و تمدنی نه تنها در مذهب، اخلاق، علم و تفکر بلکه در روابط فضایی و هویت شهری نیز ملحوظ و از تجسمی عینی و خارجی و تعریف شده برخوردار است، تجلیگاه اصول و ارزش های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان بینی سازنده ی خویش را معرفی می کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند گواهی می دهد (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۹۵). شهر اسلامی عبارت است از مکانی که در آن مسجد جامع (آدینه)، منبری جهت خواندن خطبه،

حمام و مجموعه ای از گذرهای تجاری برای داد و ستد، وجود دارد (ناصراسلامی، مورینی، ۱۳۷۵: ۴). همچنین جیمز موریس شرط وجود حاکم یا قاضی را که به انجام وظایف خود در محدوده ی قانونی شهر پردازد، را همراه با مسجد جامع، بازار و نیز حمام عمومی، از شروط شهر اسلامی می داند (موریس، ۱۳۸۱: ۱).

ویژگی های شهر اسلامی

شهرهای اسلامی در کشورهای متعدد تحت تاثیر عوامل محیطی، اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از تنوع برخوردارند ولی عوامل وحدت بخش آنها شامل مسجد، مدرسه، دارالعماره، بازار و... به عنوان وجه مشترک همه آن ها، در این شهرها خودنمایی می کنند. اگر شهرسازی را علم و هنر به نظم درآوردن و شکل دادن به محیط زندگی انسان بدانیم، ویژگی های چنین نظمی در تفکر اسلامی عبارتند از: وحدت در کثرت، تعادل، زیبایی، هماهنگی، توازن، اندازه، حد و حریم، نوگرایی و نوجویی، هویت و سلسله مراتب (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۹۵). به طور کلی شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی (توپوگرافی) محلی و ویژگی های کالبدی، بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی عام جامعه نیز بسیار مؤثرند که در ذیل (در راستای اهداف مقاله) به بیان این عوامل و شاخص ها در دو بخش کلی اجتماعی و کالبدی می پردازیم.

شاخص های تأثیر گذار بر حاکمیت شهر اسلامی در بعد اجتماعی

- ۱- هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جدا بوده و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان های اصلی متمرکز است.
- ۲- تأمین نیازهای مشترک انسانی و فراهم بودن فرصت های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی، پایه و اساس شهر اسلامی است.
- ۳- سازمان اجتماعی جامعه ی شهری بر اساس گروه بندی های اجتماعی مبتنی بر چشم انداز های فرهنگی، خواستگاه های قومی و همخوانی مشترک استوار است.
- ۴- منازل درونگرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیایی است.
- ۵- شهر به واحد های خودفرمان (و گاهاً در تضاد باهم) به نام محلات تقسیم شده است که این محلات خود شامل زیر محلات، برزن، کوی و کوچه می باشد.
- ۶- مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند.
- ۷- طبقات اجتماعی به صورت مجزا در شهر دیده نمی شود و فقیر و غنی در خانه های با اندازه های متفاوت در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می کنند.
- ۸- میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و باز دیده ها) و اخوت و برادری مطرح در جامعه ی اسلامی، زیاد است.
- ۹- وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی (امت واحده) را شکل داده است.
- ۱۰- بنا بر رعایت عدالت اجتماعی و برابری و برادری در جامعه، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی شده و به طبقات محروم اجتماع توجه می شود.
- ۱۱- اساس تفکر اسلام بر اصل توحید است. به گونه ای که می توان شهر اسلامی را شهر تجلی توحید نامید. بر این اساس شهر اسلامی تجلی گاه وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت می باشد.
- ۱۲- عدالت از دیگر اصول مطرح در جامعه ی اسلامی و از صفات اصلی شهر اسلامی به شمار می رود. هدف پیامبران الهی نیز برپایی عدل و قسط در جامعه است.

شاخص های تأثیر گذار بر حاکمیت شهر اسلامی در بعد کالبدی

- ۱- محلات متجانس، بهره مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته اند.
- ۲- در ساخت فضاها و ابنیه بر رعایت مقیاس انسانی اکید شده است.
- ۳- سلسله مراتب و نظم در ساختار شهری رعایت می شود. طوریکه دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه بوده و در محل تلاقی آن ها میدان تشکیل می شود که اطراف این میدان دیوان ها، مسجد جامع و بازار قرار می گیرد. همچنین امکانات و تسهیلات مورد نیاز ساکنان، به سهولت و در حداقل زمان در دسترس آن ها قرار دارد (با کمترین میزان آمد و شد).
- ۴- محلات خودمختار بوده و توسط کدخدا یا نایب اداره می شوند.
- ۵- بافت شهری، فشرده و دارای تراکم بالا می باشد که در آن مجموعه سازی از ساخت تک بناها مهم تر تلقی می شود.
- ۶- محلات به صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص هستند که گاه دارای دیوار و دروازه می باشند.
- ۷- هر محله دارای یک حرفه ی بخصوص و صنف متعلق به آن می باشد که در سطح محله ای ایجاد موقعیت شغلی می کند.
- ۸- هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله بوده که فضاهای عمومی در آن جای می گیرند.
- ۹- مساجد در نقش فضاهای چند منظوره عمل کرده و کارکردهایی نظیر عبادت، اداره ی شهر، دادرسی، اعلان خبر، تدریس و... به خود می گیرد.
- ۱۰- برج، بارو و دروازه، منجر به ایجاد فضاهای امن و به دور از بزهکاری می شود. (محلات دروازه دار موجب دشواری ورود غریبه ها می شود).
- ۱۱- شهر از انواع خانه ها اعم از خانه های خصوصی، خانه های گروهی، کاروانسراها، ربع و ... تشکیل شده است.
- ۱۲- خانه ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی جهت حفظ حریمیت اهل خانه است.

ویژگی های شهر سالم و پایدار در فرهنگ اسلامی

- در جهان بینی اسلامی، آرمان شهر اسلامی مکان و زمانی است که در آن مکان و زمان، آن چه رابطه ای بین انسان و هستی ایجاد شده که رابطه ی غایی انسان و خالق را به قرب الهی خواهد رساند. مواردی که یک شهر سالم باید بر پایه ی آن ها شکل بگیرد که اکثراً برگرفته از حاکمیت تعالیم اسلامی است عبارتند از:
- «وحدت جامعه» موضوع مهمی که شهر سالم مقوم آن است، عواملی که می تواند وحدت جامعه را خدشه دار نماید به صورت خلاصه عبارتند از: تضاد و تبعیض در میزان و درجه ی دسترسی به امکانات و فضاهای مطلوب شهری برای گروه های مختلف اجتماعی و عامل دیگر دو یا چند قطبی شدن شهر و تقسیم بندی فضایی آن است به نحوی که امکانات شهری به محلاتی خاص تعلق داشته باشد و یا امکان بهره گیری از آن ها برای شان فراهم باشد. عامل سوم رشد پدیده ی فردگرایی در محلات شهری است که به مثابه ی عامل مهمی در خدشه دار شدن وحدت جامعه و تفرق عمل می کند.
 - «امنیت» هرگاه عدالت اجتماعی در جامعه حاکم نباشد و جامعه به دو قطب غنی و فقیر تبدیل شود این دو قطب امنیت شان از سوی یک دیگر به مخاطره خواهد افتاد (نقی زاده، ۱۳۸۰: ۹۸).
 - «ارتباط سالم و مطلوب شهروندان» یکی دیگر از عوامل مهمی است که افراد را به سمت وحدت می برد و امنیت را در آن گسترش می دهد.
 - «تجلی زیبایی» در محیط و فضای زندگی و در کالبد و اشکال و کلیه موضوعاتی که به نحوی در تماس با انسان می باشد و توسط حواس او درک می شوند، موضوعی است که تأثیر به سزایی در سلامت روان و جسم انسان دارد.
 - «پاکیزگی و بهداشت محیط» مشتمل و متوجه بر همه ی عواملی خواهد بود که اولاً فاقد هرگونه پدیده ی مخرب و مضر به حیات انسان و محیط هستند و ثانیاً ارتباط تنگاتنگی با زیبایی و دلپذیری محیط زندگی دارند (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۹۰).

مقایسه مولفه های شهر اسلامی با شاخص های شهر پایدار

پیرو مطالب گفته شده در دو بخش قبل، در این قسمت سعی بر مقایسه تطبیقی میان شاخص های حاکم بر شهر اسلامی و شهر پایدار می باشد.

۱- مقایسه ی تطبیقی مولفه های شهر اسلامی با شاخص های حاکم بر شهر پایدار در بعد اجتماعی

۱. در شهر اسلامی، باورهای فرهنگی به تفکیک زندگی خصوصی و عمومی تاکید کرده و طرح شهری بر جدایی این دو قلمرو شکل گرفته است. در نتیجه، هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جدا بوده و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان های اصلی متمرکز است. و این در حالی است که در توسعه ی پایدار و بالاخص شهر پایدار بر ایجاد شرایطی برای ارتقای سطح فرهنگ محیطی مردم و نیز توجه خاص به این فرهنگ تأکید شده است.

۲. در شهر اسلامی، انسان شان و مقام والایی دارد و تجاوز به حریم خصوصی و خانوادگی افراد ممنوع و مذموم است. بر این اساس تامین نیاز های مشترک انسانی و فراهم بودن فرصت های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیاز های انسانی پایه و اساس یک شهر اسلامی است. این مطلب در مفاهیم شهر پایدار نیز به این صورت بیان شده است: (فراهم بودن فرصت های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه های مختلف شهری)

۳. در شهر اسلامی، سازمان اجتماعی جامعه ی شهری بر اساس گروهبندی های اجتماعی مبتنی بر چشم انداز های فرهنگی، خواستگاه های قومی و همخوانی مشترک استوار است. تشابهات فرهنگی، خواستگاه های قومی و همچنین همخوانی میان افراد، منجر به تشکیل اجتماعات یا اصنافی با تشابهات ملی، مذهبی و جغرافیایی گردیده است و این در حالی است که در مفاهیم توسعه ی پایدار و شهر پایدار هم بر وجود گروه ها و اجتماعات با اهداف و ارزش های مشابه در جامعه ی شهری، تأکید شده است.

۴. در شهر اسلامی، منازل درونگرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است. در خانه های سنتی شهر اسلامی، به علت حضور فرزندان در خانواده حتی بعد از تشکیل زندگی، سبب شده که در منازل به صورت دیرپا، گاه برای چندین نسل پی در پی زندگی جریان داشته باشد. در شهر پایدار نیز این طویل بودن مدت اقامت در منازل و نیز بر مالکیت شخصی آنها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

۵. شهر اسلامی به واحد های خودفرمان به نام محلات تقسیم شده است که این محلات خود شامل زیر محلات، برزن، کوی و کوچه می باشد که به صورت مستقل از یکدیگر (و گاهاً در تضاد باهم) عمل کرده و حتی در برخی موارد مسجد و بازار مخصوص به خود را نیز داشته اند. این در حالی است که توسعه ی پایدار نیز وجود جوامع کوچک و همبسته در شهر را جهت حفظ پایداری ضروری می داند.

۶. در شهر اسلامی، مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند. ساخت استخوانبندی اصلی شهر و معابر و گذر های اصلی اغلب توسط حکومت انجام می گرفت. اما ساخت محلات و کوچه ها و بن بست ها توسط مردم و با مشارکت آنها صورت می گرفت. همچنین فرهنگ وقف در جوامع اسلامی، سبب به وجود آمدن بناهایی عمومی شده که حضور مردم را منجر می شد. مساجد نیز نقشی حضورپذیر داشتند و گاه تصمیمات مهم محلی در مساجد گرفته می شد. در توسعه ی پایدار نیز این مفاهیم به صورت (اتکا به جامعه مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات

افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم گیری ها و اداره امور محلی ((ترویج مشارکت و دخالت شهروندان / ساختار مردم سالارانه)) مطرح شده است.

۷. در شهر اسلامی، طبقات اجتماعی به صورت مجزا در شهر دیده نمی شود و فقیر و غنی در خانه های با اندازه های متفاوت در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می کنند. این اصل نیز در مفاهیم توسعه ی پایدار به صورت گوناگونی جمعیت ساکن و نیز جانمایی انواع خانواده ها، مورد توجه قرار گرفته است.

۸. میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعه ی اسلامی، زیاد است. اسلام بر اخوت مسلمانان تأکید دارد چنانکه آن ها را برادر می خواند و بر تحکیم روابط بین آن ها تأکید خاص می ورزد. این تماس بین ساکنان و کمک های مادی، عاطفی و نیز مصاحبت و پشتیبانی اجتماعی، جزو شاخص های مطرح در توسعه ی پایدار می باشد.

۹. در شهر اسلامی، وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی را شکل داده است. اسلام این اجتماعات منسجم را امت واحده می نامد که در میان آن ها نظام کاستی وجود نداشته و اتحاد و انسجام حکم فرماست. مشاهده می شود که در میان مفاهیم توسعه ی پایدار، به وجود جوامع همگن و همبسته به صورت منسجم، سالم و قوی، اهمیت خاصی داده می شود.

۱۰. در شهر اسلامی، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی شده و به طبقات محروم اجتماع توجه می شود. اسلام برتری افراد را در مکتب و ثروت ندیده و معیار برتری را بر تقوا می نهد. پس تمام افراد را از نظر اجتماعی برابر دیده و دستور به رعایت عدالت در میان آن ها می دهد. این مفاهیم برابری و عدالت در جامعه ی اسلامی، سبب توجه خاص مسلمانان به افراد نیازمند و طبقه ی فرودست به عنوان برادر، شده است. مفهومی که در توسعه ی پایدار نیز به صورت برابری اجتماعی، عدالت اجتماعی و نیز برابری بین نسل ها و درون نسل ها، مطرح می گردد.

۱۱. شهر اسلامی تجلی گاه تفکر توحیدی است. این تفکر در شهر به صورت وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت دیده می شود. این اصل وحدت شهر و طبیعت، در شهر پایدار هم به صورت اصل حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی دیده می شود.

۱۲. از صفات شهر اسلامی عدالت است. تجلی عدالت در شهر، پایداری را به همراه دارد. از سویی پرهیز از افراط و تفریط نیز منجر به پایداری می شود. جوهره ی عدالت، حس مسئولیت نسل کنونی در برابر آیندگان است. و صرفه جویی در مصرف منابع از وظایفی است که توسعه ی پایدار بر آن تأکید دارد.

۲- مقایسه ی تطبیقی مؤلفه های شهر اسلامی با شاخص های حاکم بر شهر پایدار در بعد کالبدی

۱. در شهر اسلامی، محلات متجانس، بهره مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته اند. اسلام هرگونه تبعیض و فخرفروشی انسان ها را ممنوع اعلام کرده است. این اعتقاد در کالبد محلات و شهر ها نیز بایستی نمود پیدا کند. همچنین موقعیت و جهت گیری کالبدی محلات بایستی به گونه ای باشد که دسترسی به امکانات به صورت برابر برای همه ی افراد ممکن باشد. بر همین منوال در مفاهیم شهر پایدار نیز شاهد توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آنها هستیم که مصداق آن را می توان در مفاهیم مطرح برای شهر اسلامی مشاهده نمود.

۲. یکی از اصول مطرح در کالبد شهر های اسلامی توجه به مقیاس انسانی فضاها و ابنیه است. (در شهر اسلامی کالبد هماهنگ با ویژگی ها و توانایی های انسان شکل گرفته و خویش را به انسان تحمیل نمی کند) . رعایت مقیاس انسانی در توسعه ی پایدار نیز به طور اکیدی مورد توجه قرار گرفته است.
 ۳. شبکه ی ارتباطی و دسترسی در شهر اسلامی، به گونه ای است که ساکنان در حداقل زمان به مکان مورد نظر دسترسی داشته باشند. همچنین نظم در ساختار شهری رعایت می شود. به طوریکه دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه بوده و در محل تلاقی آن ها میدان تشکیل می شود که اطراف این میدان دیوانها، مسجد جامع و بازار قرار می گیرد. این مفهوم در توسعه ی پایدار نیز به صورت (توجه به سلسله مراتب دسترسی جهت سهولت دسترسی مردم) مطرح شده است.
 ۴. محلات شهرهای اسلامی خودمختار بوده و توسط کدخدا یا نایب اداره می شوند. به طرز قابل ملاحظه ای در مفاهیم توسعه ی پایدار نیز توجه به مسکن خود مختار و اجتماعات خود اتکا را می توان مشاهده نمود.
 ۵. بافت شهری شهر اسلامی، فشرده و دارای تراکم بالا می باشد که در آن مجموعه سازی از ساخت تک بناها مهم تر تلقی می شود. در توسعه ی پایدار نیز هدایت توسعه کالبدی شهر بصورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل و نقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) و در راستای صرفه جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه های بی رویه مورد توجه بوده است.
 ۶. محلات شهر اسلامی به صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص هستند که گاه دارای دیوار و دروازه می باشند. در اسلام حفظ مرز ها و حریم ها محترم شمرده می شود (البته وجود دیوار و دروازه از لحاظ امنیتی و دفاعی نیز مورد توجه است). توسعه ی پایدار نیز بر حفظ حرایم قابل تشخیص و مرز های تاریخی و جغرافیایی توجه خاص دارد.
 ۷. هر محله در شهر اسلامی دارای یک حرفه ی بخصوص و صنف متعلق به آن حرفه می باشد که در سطح محله ای ایجاد موقعیت شغلی می کند. این ایجاد شغل در مقیاس محلی نیز در مفاهیم توسعه ی پایدار مورد توجه قرار گرفته است.
 ۸. در شهر اسلامی، هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله بوده که فضاهای عمومی در آن جای می گیرند. توجه به تمرکز امکانات محلی و عملکردهای عمومی در کانون محله نیز از اصول مطرح در توسعه ی پایدار به شمار می رود.
 ۹. مساجد شهر اسلامی در نقش فضاهای چند منظوره عمل کرده و کارکرد هایی نظیر عبادت، اداره ی شهر، دادرسی، اعلان خبر، تدریس و... را در خود جای می دهد. مصداق این امر را در مفاهیم توسعه ی پایدار می توان به صورت تأکید بر وجود فضاهای عمومی چند نقشی و چند منظوره با کارکرد اجتماعی بالا جست.
 ۱۰. برج، بارو و دروازه، منجر به ایجاد فضاهای امن، قابل دفاع و به دور از بزهکاری می شود. در توسعه ی پایدار نیز می توان توجه به امنیت و نیز وجود فضاهای قابل دفاع و به دور از بزهکاری را مشاهده نمود.
 ۱۱. شهر اسلامی از انواع خانه ها اعم از خانه های خصوصی، خانه های گروهی، کاروانسراها، ربع و ... تشکیل شده است. مصداق این امر در توسعه ی پایدار، تأمین مسکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا) می باشد.
 ۱۲. منازل در شهر های اسلامی دارای دو بخش اندرونی و بیرونی است که اندرونی مختص اهل خانه و بیرونی برای پذیرایی از مهمانان استفاده می شود. این توجه به حریمیت در ساخت خانه های اسلامی در توسعه ی پایدار نیز به صورت ایجاد سازو کار خلوت محیطی مطرح شده است.
- با توجه به آنچه که در قالب مقایسه ی تطبیقی مفاهیم شهر اسلامی و توسعه ی پایدار مطرح شد، می توان اصول مطرح شده را به صورت دو جدول در تناظر یک به یک و در دو بعد اجتماعی و کالبدی به صورت زیر بیان نمود.

جدول ۱: تناظر مفاهیم مطرح شده در بعد اجتماعی در شهر اسلامی و شهر پایدار

شهر اسلامی	توسعه ی پایدار(شهر پایدار)
۱- متأثر از فرهنگ اسلامی، هرگونه فعالیت اقتصادی که با حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جدا بوده و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان های اصلی متمرکز است.	۱- توسعه آموزش و ارتقاء سطح فرهنگ زیست محیطی در بین عموم مردم وتوجه خاص به این فرهنگ ؛
۲- تامین نیازهای مشترک انسانی و فراهم بودن فرصت های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی،	۲- فراهم بودن فرصت های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه های مختلف شهری؛
۳- سازمان اجتماعی جامعه ی شهری بر اساس گروه بندی های اجتماعی مبتنی بر چشم انداز های فرهنگی،خواستگاه های قومی و همخوانی مشترک استوار است	۳-وجود گروه ها و اجتماعات با اهداف و ارزش های مشابه؛
۴- منازل درونگرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است	۴-مالکیت شخصی مسکن و نیز طولی بودن مدت اقامت ساکنان آن؛
۵- شهر به واحد های خودفرمان و همبسته به نام محلات تقسیم شده است که این محلات خود شامل زیر محلات، برزن، کوی و کوچه می باشد	۵-کوچک بودن اجتماعات و همبسته بودن آنها؛ -
۶- مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند.	۶- اتکا به جامعه مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر وموثر شهروندان در تصمیم گیریها و اداره امور محلی(ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ساختارمردم سالارانه)؛
۷-طبقات اجتماعی به صورت مجزا در شهر دیده نمی شود و فقیر و غنی در خانه های با اندازه های متفاوت در کنار هم و در درون محلات(به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر مرحله) زندگی می کنند	۷-جانمایی انواع خانوارها و گوناگونی جمعیت ساکن در بافت
۸- میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی(دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعه ی اسلامی،زیاد است	۸-ارتقای میزان ارتباط بین ساکنان شهر (ارتباطات عاطفی، اجتماعی، مادی و...) ؛
۹- وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی (امت واحده) را شکل داده است	۹-جوامع همبسته و همگن و اجتماعات محلی منسجم و قوی؛
۱۰- بنا بر رعایت عدالت اجتماعی و برابری و برادری در جامعه،هرگونه تبعیض اجتماعی نفی شده و به طبقات محروم اجتماع توجه می شود.	۱۰-عدالت اجتماعی و برابری درون نسلی و بین نسلی؛
۱۱- اساس تفکر اسلام بر اصل توحید است.به گونه ای که می توان شهر اسلامی را شهر تجلی توحید نامید.بر این اساس شهر اسلامی تجلی گاه وحدت جامعه،وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت می باشد	۱۱- حفاظت از طبیعت ، منابع طبیعی وجنگل ها و همچنین استفاده از انرژی های تجدید پذیر؛
۱۲- عدالت از دیگر اصول مطرح در جامعه ی اسلامی و از صفات اصلی شهر اسلامی به شمار می رود.عدالت ایجاب می کند که در استفاده از منابع،به نفع آیندگان صرفه جویی شود	۱۲- ترویج فرهنگ صرفه جویی مردم در استفاده از منابع

بعد
اجتماعی

ماخذ: (یافته های تحقیق)

جدول ۲: تناظر مفاهیم مطرح شده در بعد کالبدی در شهر اسلامی و شهر پایدار

شهر اسلامی	توسعه ی پایدار (شهر پایدار)
۱- محلات متجانس، بهره مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته اند.	۱- توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن ها؛
۲- در ساخت فضاها و ابنیه بر رعایت مقیاس انسانی تأکید شده است.	۲- توجه به مقیاس انسانی در طراحی شهرها
۳- سلسله مراتب و نظم در ساختار شهری رعایت می شود. به طوریکه دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه بوده و در محل تلاقی آن ها میدان تشکیل می شود که اطراف این میدان دیوان ها، مسجد جامع و بازار قرار می گیرد. همچنین امکانات و تسهیلات مورد نیاز ساکنان، به سهولت و در حداقل زمان در دسترس آن ها قرار دارد (با کمترین میزان آمد و شد).	۳- رعایت سلسله مراتب دسترسی از سطح کلان تا خرد و سهولت دسترسی مردم؛
۴- محلات خودمختار بوده و توسط کدخدا یا نایب اداره می شوند.	۴- اجتماعات خوداتکا و مسکن خودمختار؛
۵- بافت شهری، فشرده و دارای تراکم بالا می باشد که در آن مجموعه سازی از ساخت تک بناها مهم تر تلقی می شود.	۵- هدایت توسعه کالبدی شهر بصورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل و نقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) در راستای صرفه جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه های بی رویه؛
۶- محلات به صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص هستند که گاه دارای دیوار و دروازه می باشند.	۶- حریم مشخص (دروازه و مرزهای جغرافیایی، تاریخی و...)؛
۷- هر محله دارای یک حرفه ی بخصوص و صنف متعلق به آن می باشد که در سطح محله ای ایجاد موقعیت شغلی می کند.	۷- ایجاد کاربری ها و موقعیت های شغلی در مقیاس محله؛
۸- هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله بوده که فضاهای عمومی در آن جای می گیرند.	۸- وجود مرکزیت (میادین و مراکز محلات)، و جایگیری عملکردها و امکانات مهم در مرکز و در دسترس همگان؛
۹- مساجد در نقش فضاهای چند منظوره عمل کرده و کارکرد هایی نظیر عبادت، اداره ی شهر، دادرسی، اعلان خبر، تدریس و... به خود می گیرند.	۹- ایجاد فضاهای عمومی تعریف شده و چند منظوره؛
۱۰- برج، بارو و دروازه، منجر به ایجاد فضاهای امن و به دور از بزهکاری می شود. (محلات دروازه دار موجب دشواری ورود غریبه ها می شود).	۱۰- ایجاد فضای قابل دفاع و کنترل و عاری از بزهکاری؛
۱۱- شهر از انواع خانه ها اعم از خانه های خصوصی، خانه های گروهی، کاروانسراها، ربع و ... تشکیل شده است.	۱۱- تأمین مسکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا)؛
۱۲- خانه ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی جهت حفظ محرمیت اهل خانه است.	۱۲- ایجاد سازوکار خلوت محیطی؛

بعد
کالبدی

ماخذ: (یافته های تحقیق)

برای رسیدن به شهری پایدار و اسلامی، لازم است کشورهای اسلامی با توجه به حاکمیت موجود در کشور خودشان در ساخت مرفولوژیک شهرهای خود، تجدید نظر کرده، مسائلی چون انسان گرایی، اندیشه گرایی، پیشروگرایی، معنویت و اخلاق، جهت گیریهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و محیطی را در راستای انسان شناسی و سرانجام، خداگرایی و آخرت گرایی مد نظر قرار دهند؛ زیرا مهمترین و اصلی ترین وظیفه شهر اسلامی پایدار، همانا، تجسم روح خدایی در کالبد شهر و متمایل کردن انسان ها به سمت خداوند سبحان است. شهر اسلامی پایدار، شهری است که انسان های پاک و بی رنگ وریا داشته باشد.

نتیجه گیری

حاکمیت شهر اسلامی با ویژگی های فوق در ابعاد اجتماعی و کالبدی، از نوعی منطق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبعیت داشته که این امر میتواند تجربه های آموزنده ای برای روش های نظام مندی و برنامه ریزی مدرن به شمار آید. این شهر واجد اصول و صفاتی است که ریشه در مفاهیم اسلامی دارند. با بررسی این اصول و صفات ها و مقایسه ی آن ها با مفاهیم مطرح در توسعه ی پایدار که در اواخر قرن بیستم مطرح شده و نمود آن را می توان در اروپا تحت عنوان نوزایی شهری و مفاهیمی چون مسکن مشارکتی و دهکده ی شهری و در آمریکا نیز تحت عناوینی چون محله ی پایدار شهری، اجتماعات فشرده، توسعه ی محله ی سنتی (TND) و توسعه ی حمل و نقل محور (TOD) می توان دید چنین استنباط می شود که می توان حاکمیت موجود در شهرهای اسلامی را برخوردار از صفات شهر پایدار دانست. شهرهای اسلامی را به سادگی می توان جرح و تعدیل داده تا با استانداردهای زندگی و قابلیت کارکردی مدرن تطابق پیدا کرده و سازگاری بالایی با محیط های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی و طبیعی مان داشته باشد. آنچه که با تطابق میان مقوله های شهر پایدار و مفاهیم حاکم بر شهر اسلامی می توان نتیجه گرفت آن است که لازمه های دستیابی به شهر پایدار همان اصول بنیادی حاکم بر شهر اسلامی است. بی شک تمدنی که برای همه عرصه های تعالی انسان مسلمان، رهیافت های کارآمدی دارد برای محوری ترین عرصه های زیست مادی و معنوی انسان، نمی تواند گفتنی های درخور توجهی نداشته باشد. به عبارت دیگر برای برون رفت از تنش ها و تفرق هایی که امروزه شهرهای ما به آن مبتلا شده اند، تحقیق ژرف در اصول اعتقادی دین اسلام ضروری و بارز است. آنچه مهم است درک این مطلب است که شهرهای امروز ما چقدر از اصول و مفاهیم مطرح در شهر اسلامی برخوردارند؟ مشاهده ی معضلات و گرفتاری های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سیاسی در شهر های کشورهای اسلامی مثلا در کشور ایران (شهرهای مشهد، قم)، حکایت از عدم اجرای دقیق دستورات اسلامی و یا استفاده ی ابزاری از آن دارد. بر این اساس باید تلاش شود تا با رجعت به این مفاهیم در ابعاد جامعه و نیز کالبد شهر ها، در ساخت مورفولوژیک شهر های خود تجدید نظر نموده و پایداری شهرهایمان را که در فرهنگ اسلامی پیشینه ای به بلندای ۱۴ قرن داشته و در جوامع غربی هنوز به یک قرن نیز نرسیده است، تضمین نماییم.

منابع و ماخذ

- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق ها، شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۱.
- پور جعفر، محمدرضا، پور جعفر، علی و صفدری، سیما (۱۳۹۴)، انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص سازی در راستای شهری آرمانی- اسلامی؛ فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، شماره هشتم،

- پوراحمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹)، « ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه ی علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ی دوم.
- دارابی، علی (۱۳۷۹)؛ « توسعه ی پایدار مفاهیم و محدودیت ها »، فصلنامه ی مسکن و انقلاب، شماره ۸۹.
- دانش، جابر (۱۳۸۹)، مبانی شکل گیری و اصول سازمان یابی کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه ی علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ی اول.
- رحیمی، حسین (۱۳۸۴)، در جستجوی شهر اسلامی پایدار، پیک نور، سال پنجم، شماره ی دوم، ص ۹۷-۹۰.
- سلخی خسرقی، صفا (۱۳۸۹)، « تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلامشهر های تاریخی ایران»، اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی.
- سلطانی، علی و علی دشتی (۱۳۸۹)، «از شهر اسلامی تا شهر پایدار؛ تبیین ویژگی های مشترک»، اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی.
- ضرابی، اصغر و کاووس علی نژاد طیبی (۱۳۸۹)، تحلیلی بر عناصر و کاربری های شهری در شهرهای اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۳.
- فرجام، رسول، هادی سلیمانی مقدم و اسماعیل چاوشی (۱۳۹۰)، مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره دوم.
- قرخلو، مهدی و سیدهادی حسینی (۱۳۸۵)، شاخص های توسعه ی پایدار شهری، مجله ی جغرافیا و توسعه ی ناحیه ای، شماره ی هشتم.
- لقایی، حسنعلی و حمیده محمدزاده تیتکانلو (۱۳۷۸)؛ « مقدمه ای بر مفهوم توسعه ی شهری پایدار و نقش برنامه ریزی شهری »، مجله ی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ی ۶.
- ملکی، سعید (۱۳۹۰)؛ درآمدی بر توسعه ی پایدار شهری، انتشارات دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- موریس، جیمز (۱۳۸۱)، تاریخ شکل شهر (ج. ۲)، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی علم و صنعت، تهران.
- موسوی کاظمی، سید مهدی و حسین شکویی (۱۳۸۱)، سنجش پایداری اجتماعی توسعه ی شهر قم، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۴.
- ناصر اسلامی، علی و ماسیمومورینی (۱۳۷۵)، پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی، ترجمه ی مجید محمدی، مجله ی آبادی، شماره ۲۲، ویژه ی شهر اسلامی، سال ششم.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، توسعه ی پایدار، شهر سالم و فرهنگ ایرانی، مجله ی مسکن و انقلاب، شماره های ۹۵-۹۶.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ اسلامی و توسعه ی پایدار شهری، فصلنامه ی مدیریت شهری، سال ۱، شماره ۱.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان.
- نقی زاده، محمد، صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، مجله ی هنرهای زیبا، شماره ی ۴ و ۵.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، تاملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه ی علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ی اول.

- نوکار، بهار، کرکه آبادی، زینب وارغان، عباس (۱۳۹۷)، بررسی تأثیرات کاربری های شهری بر هویت شهر اسلامی محدوده مورد مطالعه : منطقه یک شهر یزد، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان، سال هشتم، شماره ۲۹.

- هریس، جان اتان ام (۱۳۸۳)، اصول اساسی توسعه ی پایدار، ترجمه ی رستم صابری فر، مجله ی سپهر، شماره ی ۵۲.

- Hall, p. (1993), Toward Sustainable, Liveable And Innovative Cities For 21st Century, (In Proceeding Of The Third Conference Of The World Capitals, Tokyo, pp22-28)

- Hancock, T. (2001). Towards healthy and sustainable communities: Health environment and economy at the local level. Quebec Klienbourg, Ontario.

- Munasinghe, Mohan. (1993), Environmental Economics And Sustainable Development, The world bank, Washington D.C

- Mukomo , S. (1996), O Sustainable Urban Development in Sub-saharan Africa, cities, pp256-271

- Jansen, L. (2003). "The challenge of sustainable development". Journal of cleaner production. Vol.11.